

یادداشت

افزایش مزد یا مدیریت فقر؟



حسین سلاروزی

در ایران همیشه درباره «افزایش دستمزد» حرف زده شده، اما کمتر کسی صادقانه به این سؤال جواب داده که چرا هر سال عددها بالا

می‌روند ولی زندگی کارگر و کارمند عملاً سخت‌تر می‌شود؟

کافی است چند سال به عقب برگردیم: تورم بالا، سقوط ارزش ریال، بی‌ثباتی ارزی و بودجه‌ای و یک حداقل مزد که هر سال روی کاغذ بزرگ‌تر می‌شود اما در واقعیت آب می‌رود. همین تضاد ساده نشان می‌دهد مسئله در درصد افزایش نیست؛ در نقشه‌ای است که سال‌هاست اشتباه طراحی شده.

وقتی تورم دائم بالای ۳۰ تا ۴۰ درصد حرکت می‌کند، هیچ افزایش اسمی معنا ندارد. دستمزد دلاری کشور از نزدیک ۲۴۰ دلار به حوالی ۹۰ دلار سقوط کرده؛ یعنی حتی اگر کسی در چارچوب رسمی، تمام‌وقت و با بیمه کار کند، باز هم از خط فقر عبور نمی‌کند. این همان جایی است که سیاست‌گذاری فعلی رسماً تبدیل می‌شود به مدیریت فقر، نه حفظ قدرت خرید.

مشکل اصلی از جایی شروع می‌شود که ریشه تورم اشتباه تشخیص داده شده. سال‌هاست تورم را به گردن دستمزد می‌اندازند، در حالی که تورم ایران از جنس «افزایش هزینه‌های دولت، کسری بودجه مزمن، بارانه‌های گور انرژی و شوک‌های ارزی» است، نه چانه‌زنی کارگران. وقتی موتور تورم در بوجه و ارز می‌چرخد، دستمزد فقط دنبال واقعیت می‌دود. اگر هم دولت برای جبران افزایش مزد، پول چاپ کند، طرف چند ماه همان افزایش دوباره دود می‌شود.

از طرف دیگر، تعیین یک درصد یکنواخت برای همه شاغلان -از کارگر ساده تا مدیر شرکت دولتی- عملاً عدالت نیست؛ ساده‌سازی خام است. نتیجه‌اش هم روشن است: سقف حقوق‌ها بی‌جهت بزرگ‌تر می‌شود، کف حقوق‌ها همچنان زیر خط فقر می‌ماند و بودجه متورم‌تر از قبل. سال‌ها همین مسیر اشتباه طی شده و طبیعی است امروز نه بنگاه‌ها توان تحمل دارند، نه نیروی کار توان زندگی.

اگر بخواهیم از این دور باطل بیرون بیاییم، باید یک بار واقع‌بینانه بشینیم و از صفر به معماری دستمزد در ایران نگاه کنیم. اصلاح واقعی از این نقطه شروع می‌شود که حداقل مزد باید بر اساس «سبد واقعی هزینه یک خانوار» بازتنظیم شود؛ نه اینکه هر سال با چانه‌زنی سیاسی یک عدد نمادین تعیین شود. وقتی خط فقر شهری چند برابر حداقل مزد است، این فاصله باید یک بار برای همیشه ترمیم شود و بعد دستمزد به‌صورت دوره‌ای و دقیق -مثلاً هر سه یا شش ماه- بر اساس تورم اقلام ضروری شاخص شود. این یعنی دستمزد از حالت نمایشی به ابزار واقعی حفظ معیشت تبدیل می‌شود.

اما این فقط بخشی از ماجراست. ساختار افزایش مزد باید پلکانی و معکوس باشد؛ یعنی حقوق‌های پایین بیشتر تقویت شوند، حقوق‌های متوسط افزایش محدود ببینند و حقوق‌های بالا با ثابت بمانند یا در عمل کاهش واقعی پیدا کنند. این تنها الگویی است که هم بودجه را نمی‌ترکاند، هم به عدالت نزدیک است، هم از فرسایش نیروی کار جلوگیری می‌کند.

در کنار اینها باید یک حقیقت تلخ را پذیرفت: بنگاه‌های کوچک و متوسط ستون فقرات اشتغال کشورند و اغلب با حاشیه سود پایین کار می‌کنند. اگر فرمول دستمزد بدون توجه به توان واقعی آنها طراحی شود، نتیجه‌اش فقط تعطیلی، تعدیل یا فرار به سمت اقتصاد غیررسمی است. هر نسخه‌ای که نوشته می‌شود باید با این سؤال تست شود: آیا یک واحد کوچک پنج یا ۱۰ نفره در شهرستان می‌تواند از پس آن بربیاید؟ اگر جواب منفی است، یعنی نسخه غلط است؛ حتی اگر ظاهرش زیبا باشد.

اما مهم‌تر از همه اینکه مسئله دستمزد در ایران، از سقف دولت آویزان است. با وجود بیش از پنج میلیون حقوق‌بگیر مستقیم و غیرمستقیم دولتی، هر افزایش مزدی نهایتاً روی بودجه می‌نشیند. وقتی دولت متورم است، وقتی شرکت‌های خصوصی به‌جای کارایی، هزینه‌تراشی می‌کنند، وقتی پروژه‌های غیرضروری و سازمان‌های موازی، منابع را می‌بلعند، هر اصلاح مزدی عملاً دوباره به نقدینگی و تورم تبدیل می‌شود. بنابراین اصلاح واقعی دستمزد بدون کوچک‌سازی دولت، ادغام دستگاه‌ها، توقف استخدام‌های غیرمولد و مهار هزینه‌های شرکت‌های شبه‌دولتی شوخی است؛ شیک، اما غیرعملی.

قدرت خرید نیروی کار را نمی‌شود با یارانه انرژی یا بنزین جبران کرد؛ اینها فقط ظاهرسازی است. سیاست درست کمک مستقیم و هدفمند به دهک‌های پایین شاغل است؛ چیزی مثل اعتبار مالیاتی دستمزد یا کمک‌هزینه نقدی شفاف. این ابزارها هم روی بودجه کنترل‌شده‌تر عمل می‌کنند، هم واقعاً به گروه کم‌درآمد می‌رسند.

خلاصه ماجرا اینکه اصلاح دستمزد در ایران نیاز به جسارت و صراحت دارد، نه آرایش اعداد. باید هم‌زمان تورم را مهار کرد، حداقل مزد را بر مبنای واقعیت بازتنظیم کرد، ساختار افزایش‌ها را پلکانی و منصفانه کرد، از بنگاه‌های کوچک مراقبت کرد و دولت را از این حالت سنگین و پرهزینه بیرون آورد. هر مسیری غیر از این، ادامه همان چرخه‌ای است که یک دهه است نیروی کار را فقیرتر و تولید را تحقیر کرده. هیچ اقتصادی با نیروی کار فرسوده و مزد نمادینی سر پا نمی‌ماند. وقت آن رسیده که این حقیقت را بدون تعارف و بدون بازی با اعداد بپذیریم.

بخش‌های وابسته به بانک اقتصادنوین
www.enbank.ir

بانک اقتصادنوین
ENBANK

آگهی مزایده عمومی شماره ۰۹۱۷-۱۴۰۴

۱. شرح مختصر موضوع مزایده: فروش تجهیزات کامپیوتری بانک اقتصاد نوین به شرح فایل پیوست.

۲. مهلت و محل دریافت اسناد: از ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ به‌مرجع به‌سایت بانک اقتصادنوین بخش مناقصه و مزایده ها به آدرس www.enbank.ir امکانپذیر می‌باشد.

۳. مهلت بازدید از تجهیزات: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ با هماهنگی قبلی.

۴. مهلت و محل تحویل پیشنهادها: حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۴ به نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴۳، روبروی بزرگراه هاشمی رفسنجانی، بلواراسفندیار، پلاک ۲۴ دبیرخانه بانک اقتصادنوین تحویل و رسید دریافت نمایند.

اسناد و مدارک دریافتی به عنوان پیشینه نزد بانک اقتصادنوین می‌ماند.

تلفن: ۲۴۵۹۴۲۱۷-۲۴۵۹۴۲۳۳-۲۴۵۹۴۲۸۷-۲۴۵۹۴۲۸۷



مهرزاد

وزیر کشاورزی درباره علت جهش قیمت مواد غذایی

باوجود پرداخت دلار ۲۸۵۰۰ تومانی به واردات کالاهای اساسی به «شرق» توضیح داد

هم ارز ترجیحی، هم گرانی

شرق: تورم مواد غذایی در ماه‌های گذشته از تورم عمومی کشور سبقت گرفته؛ آن‌هم در حالی که دولت برای مهار گرانی مواد غذایی دلار را با حدود یک چهارم قیمت بازار آزاد در اختیار تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاهای اساسی قرار داده است. همین موضوع دستمایه اعتراض برخی تحلیلگران شده است و این دسته از تحلیلگران می‌گویند اگر قرار است

می‌دهد. باین‌حال، نتیجه آن شده است که تورم کالاهای اساسی بالاتر از تورم عمومی کشور باشد.

این موضوع سبب شده است برخی رسانه‌ها و تحلیلگران، حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی را مطرح کنند؛ موضوعی که البته دولت هم نسبت به آن بی‌میل نیست و حذف تدریجی ارز ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی را از بودجه سال ۱۴۰۴ کلید زده بود، اما درباره دارو و کالاهای اساسی با مقاومت‌ها و ملاحظات می‌مواجه شد.

سوی دیگر این ماجرا مخالفان حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی و دارو هستند که از شوک حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی در دولت سیزدهم و جایگزینی آن با دلار ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی می‌گویند. دولت وقت این اقدام را جراحی اقتصادی نامید و در ازای آن مبلغ یارانه نقدی را به ۳۰۰ هزار تومان رساند، اما اقتصاد از شوک تورمی این به‌اصطلاح جراحی در امان نماند.

این دسته از مخالفان توضیح می‌دهند تا زمانی که اوضاع روابط خارجی و فروش نفت عادی نشود و کسری بودجه و در نتیجه سقوط ارزش ریال مهار نشود، نتیجه این‌گونه اقدامات تنها فشار بیشتر بر شانه مردم است.

وزیر کشاورزی: ارز ترجیحی تمام هزینه‌های تولید را پوشش نمی‌دهد
باین‌حال، رشد درخور توجه تورم مواد غذایی با وجود پرداخت ارز ترجیحی به تولیدکنندگان و واردکنندگان، انتقادهای بی‌شماری را به دنبال داشته است.

غلامرضا نوری‌قرزلجه، وزیر کشاورزی، در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود پرداخت ارز ترجیحی، تورم اقلام اساسی به بالاتر از نرخ تورم عمومی رسیده است؟ به «شرق» توضیح می‌دهد: «باید توجه داشت که ارز ترجیحی تمام هزینه‌های تولید را پوشش نمی‌دهد. بیشترین تأثیر ارز ترجیحی در تولید مربوط به بخش مرغ و تخم‌مرغ است که سهم آن نیز کمتر از ۴۰ درصد هزینه تولید است. در حوزه شیر، لبنیات و گوشت قرمز، این سهم حتی کمتر از ۲۰ درصد و در برخی موارد حدود ۱۵ درصد است. بنابراین سایر مؤلفه‌های اقتصاد کلان نیز در تعیین قیمت تمام‌شده کالاها نقش مؤثری دارند.»

او در ادامه می‌گوید: «در همین راستا، اخیراً اصلاحاتی در فرایند توزیع نهاده‌های دامی انجام شده است و این نهاده‌ها تحت مدیریت شرکت پشتیبانی امور دام و با نظارت کامل این شرکت توزیع می‌شود. نهاده‌ها به‌صورت حتمی با قیمت مصوب و از طریق سازمان بازرگانه در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. از تولیدکنندگان محترم درخواست می‌شود نهاده‌ها را دقیقاً به قیمت مصوب سامانه بازارگاه دریافت کنند و هیچ شخص یا مجموعه‌ای مجاز نیست حتی یک ریال بیش از نرخ مصوب از دامداران و مرغداران دریافت کند. همچنین تولیدکنندگان باید توجه داشته باشند که پرداخت هرگونه مبلغ اضافی تخلف محسوب می‌شود؛ چراکه توزیع این نهاده‌ها تحت نظارت کامل دستگاه‌های دولتی انجام می‌گیرد. امید است این انضباط در کنترل هزینه‌های تولید، به کاهش قیمت تمام‌شده محصولات نهایی نیز منجر شود.»

به گفته نوری‌قرزلجه، «در حال حاضر می‌توان گفت بخشی از کالاهای اساسی موجود، ازجمله حدود چهار میلیون تن نهاده دامی، معادل تقریبی ۱۵ درصد از محل ذخایر و تدابیر اتخاذشده وزارت جهاد کشاورزی وارد کشور شده است. این اقدام یکی از سیاست‌هایی بود که به منظور تأمین پایدار کالاهای اساسی در مبادی ورودی و بنادر کشور اتخاذ شد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود بازار برنج نیز در شرایط متعادلی قرار بگیرد و مابه‌التفاوت افزایش قیمت‌ها در قالب کالابرگ به حساب خانوارها واریز شود. طبق اعلام وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، این پرداخت برای سه دهک اول انجام شده و برای سایر دهک‌ها نیز واریزها به‌زودی صورت خواهد گرفت.»

تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاهای اساسی هم دلایل متعددی را برای رشد قیمت‌ها قائل می‌شوند؛ ازجمله اینکه سهم اقلام اساسی در سبد مصرفی خانوار بالاتر است و نباید با تورم سایر اقلام مقایسه شود. آنها همچنین به رشد سایر

هزینه‌های تولید اشاره کرده و می‌گویند تأخیر بانک مرکزی در تخصیص ارز واردات کالاهای اساسی و کاهش تولید و همچنین برهم‌خوردن عرضه و تقاضا ازجمله عوامل افزایش قیمت کالاهای اساسی بوده‌اند.

جواد ابراهیمی، مدیرعامل اتحادیه مرکزی شرکت‌های تعاونی کشاورزی دامداران ایران، در این زمینه به «شرق» توضیح می‌دهد: «متأسفانه در ماه‌های اخیر به دلیل کمبود نهاده‌های دامی، شاهد کاهش عرضه در بازار بوده‌ایم و همین کمبود موجب افزایش قیمت‌ها شده است. در این شرایط، دلالتان و سودجویان نیز از فرصت به‌وجودآمده سوءاستفاده کرده و نهاده‌ها را با قیمت بازار آزاد به دامداران عرضه می‌کنند. با اقداماتی که در وزارت جهاد کشاورزی انجام شده است، خوشبختانه بخشی از این کمبود جبران شده و در حال حاضر تأمین نهاده‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد و در ماه‌های آینده از نزدیک شاهد وفور نهاده‌ها در سامانه بازارگاه خواهیم بود و عواملی که موجب گرانی و کمبود نهاده‌ها شده‌اند، برطرف خواهد شد.»

او البته تأکید کرد: «در حال حاضر نمی‌توان ادعا کرد که تمام نیاز دامداران به‌طور کامل از سامانه بازارگاه و نهاده دولتی تأمین می‌شود، اما این نهاده‌ها کمک درخور توجهی به دامداران می‌کند. با توجه به اینکه این نهاده‌ها با نرخ یارانه‌ای عرضه می‌شوند، نقش مهمی در متعادل‌سازی قیمت‌ها دارند.»

دولت شفاف‌سازی کند

در این میان، کارمان ندری، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید: «آنالیز قیمت کالاهایی که ارز ترجیحی می‌گیرند، شفاف نیست و دولت موظف است به‌طور دقیق این موضوع را برای مردم توضیح دهد؛ چراکه ارز را با قیمت بسیار نازل‌تر از بازار آزاد از اموال عمومی اختصاص می‌دهد، اما نتیجه آن شده که تورم کالاهای اساسی از تورم عمومی سبقت بگیرد و این موضوع به‌هیچ‌وجه قابل توجه نیست.»

این اقتصاددان تأکید می‌کند: «شمار دریافت‌کنندگان ارز ترجیحی اندک است و این موضوع به راحتی برای دولت قابل شفاف‌سازی است، اما متأسفانه هیچ‌یک از اعضای کابینه و شخص رئیس‌جمهوری شفاف‌سازی نکرده‌اند که ارز ترجیحی متعلق به اموال عمومی دقیقاً کجا هزینه شده که قیمت کالاهای اساسی این‌گونه افسارگسخته شده است و مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی و ارز آزاد به جیب چه کسانی رفته است؟».

این اقتصاددان در ادامه می‌گوید: «اگر بناسنت ارز ترجیحی از اموال مردم به عده اندکی تخصیص پیدا کند و در نتیجه تورم این اقلام بالاتر از نرخ تورم عمومی باشد، دولت باید مابه‌التفاوت این ارز را به صورت یارانه و ترمیم دستمزد به مردم برگرداند، نه اینکه منتفع‌شوندگان آن عده اندکی باشند.»

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که برخی اقتصاددانان نیز با اشاره به تجربه حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و افزایش یارانه نقدی، ماحصل این اتفاق را شوک تورمی دیگری می‌دانند و معتقد هستند تا زمانی که وضعیت روابط خارجی کشور و اوضاع اقتصاد کلان عادی نشود، در بر همین پاشنه می‌چرخد.

خبر

چرا دلار سعودی شد

نوسانات هفته‌های اخیر قیمت ارز به ایجاد برخی انتظارات تورمی منجر شده است. یک کارشناس اقتصادی دلایل اصلی رشد قیمت ارز را مسائل سیاسی، کاهش ارز حاصل از صادرات و سه‌رنجی شدن قیمت بنزین عنوان کرد.

به گزارش ایسنا، نوسانات بازار ارز در روزها و هفته‌های اخیر، بار دیگر به یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی کشور تبدیل شده است. افزایش نرخ دلار و واکنش سریع بازار به اخبار و تحولات مختلف، این پرسش را پررنگ‌تر کرده که چه عواملی بیشترین نقش را در شکل‌گیری انتظارات افزایشی ایفا می‌کنند؟ تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد بازار ارز تنها تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی کلاسیک مانند عرضه و تقاضا قرار ندارد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، روانی و انتظاری نیز می‌تواند روندهای قیمتی را تغییر دهد.

در چنین شرایطی، بررسی پیوند میان تحولات سیاسی، فضای روانی جامعه و متغیرهای اقتصادی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند؛ به‌ویژه آنکه اخبار مربوط به تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و تصمیمات داخلی اقتصادی می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کرده و رفتار فعالان بازار را تحت تأثیر قرار دهد.

در همین راستا، حسین امیری، کارشناس اقتصادی، با اشاره به اینکه عدم تحقق برخی انتظارات اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل التهاب فضای بازار است که زمینه‌ساز رشد نرخ دلار هم شده، گفت: کاهش بازگشت ارزهای حاصل از صادرات نفت و پتروشیمی نیز نقش درخور توجهی در تغییرات اخیر نرخ دلار ایفا کرد که با توافقات جدید با بانک مرکزی احتمال افزایش عرضه ارز و تعدیل قیمت‌ها وجود دارد.



وی با اشاره به افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر اظهار کرد: درواقع مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی باعث شد تا بازار در روزهای گذشته با نوسانات شایان توجهی مواجه شود. به گفته این کارشناس اقتصادی، روند بازگشت ارز هم در هفته‌های گذشته کندتر شده بود که این موضوع مستقیماً خود را در افزایش قیمت‌ها نشان داد.

امیری تأکید کرد: نمی‌توان تأثیر تحریم‌ها را بر مشکلات اقتصادی اخیر نادیده گرفت؛ چراکه این محدودیت‌ها اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از صنایع را با چالش‌هایی مواجه کرده است.

وی ادامه داد: عوامل غیراقتصادی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نوسانات بازار ارز داشته‌اند؛ ازجمله اخبار مربوط به تنش‌های سیاسی، تحولات منطقه‌ای، درگیری‌های نظامی و مسائل سیاسی که معمولاً انتظارات تورمی را تشدید می‌کنند و به افزایش قیمت ارز منجر می‌شوند.

این کارشناس اقتصادی همچنین انتظارات تورمی ناشی از برخی خبرهای داخلی مانند سه‌رنجی شدن بنزین را یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رفتار بازار دانست و افزود: هنگامی که جامعه تصور کند قیمت‌ها در حال افزایش است، تقاضای احتیاطی برای ارز هم بالا می‌رود.

امیری درباره راهکارهای کنترل بازار ارز توضیح داد: اگر بانک مرکزی و دولت با بهره‌گیری از ابزارهای سیاستی خود بتوانند انتظارات تورمی را به‌درستی مدیریت کنند و آرامش روانی را به بازار بازگردانند، رشد غیرمنطقی نرخ دلار هم متوقف خواهد شد.

او تأکید کرد: برای کاهش حساسیت جامعه نسبت به نرخ دلار و دستیابی به کنترل پایدار انتظارات تورمی، باید توجه واقعی به بخش‌های مولد اقتصاد -ازجمله تولید و صنعت- معطوف شود؛ در این صورت می‌توان به ثبات اقتصادی بلندمدت امیدوار بود.